

واژه نامه

حقوق اسلامی

فارسی – انگلیسی

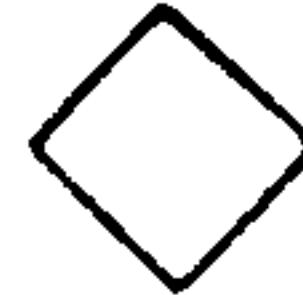
چاپ چهارم با افزایش ۶۰۰ واژه تازه

تألیف:

دکتر حسین میر محمد صادقی

عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ



وَسَلَامٌ عَلَى الْمُتَّقِينَ

یادداشت ناشر

با استقبال شایسته دانش پژوهان، دانشجویان و محققین حقوق اسلامی تقریباً هر سال یکبار، کتاب ارزشمند «واژه‌نامه حقوق اسلامی» تالیف جناب آقای دکتر حسین میرمحمد صادقی به چاپ مجدد سپرده شده و اینک چاپ چهارم با افزودن بیش از ششصد واژه جدید در اختیار علاقمندان و صاحب‌نظران است.

به یقین برجستگی و امتیاز اثر یاد شده مرهون دقت نظر مؤلف گرامی در معادل یابی واژه‌ها و آگاهی و اشراف ایشان بر رشته‌های گوناگون حقوقی است. مع الاسف برخی از فرهنگ‌های حقوقی که در سال‌های اخیر انتشار یافته عاری از دقت علمی و حتی مشحون از اشتباهات فاحشی است که مراجعه کننده به آن‌ها را دچار تردید و گمراهمی می‌سازد. در اینجا بدون ذکر نام آن فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها به پاره‌ای از این اغلات اشاره می‌کنیم:

* در یکی از این فرهنگ‌ها در مقابل واژه «ایجاب»، معادلهای زیر به چشم می‌خورد:

acknowledgement , affirmation , assertion , compliance

حال آنکه هیچیک از این معادلهای به معنی ایجاب نبوده بلکه بترتیب از راست به چپ به معنای مراجعات، اظهار، تأیید و اقرار می‌باشند.

* در مقابل کلمه «جرم» علاوه بر واژه‌های *crime* و *offence* کلمات *penalty* و *misdemeanour*، *fine*, *guilt*, *Actus reus* به معنای عنصر مادی، تقصیر، جرمیه، جنحه و مجازات می‌باشند.

* در مقابل کلمه «سرقت» علاوه بر *Theft* و *larceny* معادلهای

معنای سرقت مقرون به آزار یا تهدید، اختلاس و ورود غیر مجاز به ملک غیر به قصد ارتکاب یکی از چهار جرم تخریب، ایراد ضرب و جرح، سرقت و یا تجاوز جنسی هستند.

* واژه‌های *trespassing*, *aggression*, *breach*, *rape* در معنای «تجاوز» به کار رفته در حالیکه باید تجاوز جنسی، نقض (تعهد)، تجاوز ارضی از سوی یک کشور به کشور دیگر و تجاوز به ملک دیگری را به ترتیب معادل صحیح آن کلمات دانسته و در این خصوص قائل به تفکیک شویم.

* اصطلاح «*Summary offences*» برای جرائمی به کار رفته شده که «رسیدگی به آنها بدون تشکیل دادگاه میسر است»! معلوم نیست کدام جرم است که می‌توان بدون تشکیل دادگاه بدان رسیدگی کرد؟!

بدیهی است اصطلاح مذکور در حقوق انگلستان به جرائمی اشاره دارد که در دادگاه‌های کیفری پایین‌تر که «*Magistrates Courts*» نامیده می‌شوند، بدون صدور کیفر خواست و بدون حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

* واژه‌های «قاتل نفس» و «قاتل فرزند» به ترتیب به معنای *infanticide* ترجمه شده، در صورتی که این واژه‌ها به ترتیب به معنای «خودکشی» و «کشتن فرزند کمتر از یک سال توسط مادری که بر اثر تبعات زایمان به اختلال روانی دچار شده» می‌باشند.

* واژه «شارع» به *Lawgiver* و *Legislator* و *road* ترجمه شده بدون اینکه تفکیکی میان این سه معنا که دو مورد اول به معنی قانونگذار و سومی به معنی راه و خیابان است صورت گرفته باشد.

* به عنوان معادل قتل غیر عمد عبارات *unintentional murder* و *involuntary manslaughter* آورده شده، در حالیکه کلمه *murder* به معنای قتل عمد بوده و با پیشوند *unintentional* مانعه‌الجمع است و واژه *manslaughter* نیز به معنای قتل غیر عمد بوده و نیازی به پیشوند مذکور ندارد.

* «زنای محسنه» به *adultery with a married woman* معنی زنا با زن شوهردار است ترجمه شده غافل از اینکه در حقوق اسلامی زنای محسن یا محسنه که زنای مشدد محسوب می‌شود بر اساس وضعیت مرتكب جرم از لحاظ تأهل یا تجرد تعیین می‌گردد و نه از نظر وضعیت طرف مقابل. بنابراین زنای محسنه، «زنای زن شوهردار» است نه «زنای با زن شوهردار».

* احرام به "pilgrimage dress" تعبیر شده در حالیکه برخلاف آنچه که بعضاً در زبان عامه مردم شایع است، احرام حالتی است که برای حج کننده وجود دارد و نه لباسی که او می‌پوشد.

* «واجب کفایی» چنین تعریف شده است:

«یک وظیفه شرعی که باید یا توسط خود شخص و یا توسط دیگری به نمایندگی از سوی او انجام شود.»
حال آنکه معنای این اصطلاح همانگونه که در واژه‌نامه حاضر به آن اشاره شده، وظیفه‌ای است که برای فرد فرد مسلمین وجود داشته لیکن این وظیفه با انجام شدن آن بوسیله تعداد کافی از افراد مسلمان، از عهدۀ سایرین ساقط می‌گردد.

* به جای کلمه «ترکه» معادل residue گذاشته شده در حالی که ترکه به معنای تمام ما ترکی است که از میت باقی مانده و residue در واقع باقیمانده ترک است که پس از تأديه سهم صاحبان فرض باقی می‌ماند.

* در همین فرهنگ حقوقی، از پیراستن واژه‌های تازی! سخن به میان آمده و حتی ابراز تمایل گردیده تا به جای کلمات «مدّعی» و «مدّعی علیه» و حتی «خواهان» و «خوانده»، واژگان «پیشمار» و «پسمار» که «در دوران ساسانیان در سر زبانهای نیاکان ما بوده» مورد استعمال قرار گیرد! اشاره به این نکته ضروری است که این نظر اگر در سایر رشته‌ها، مقبول و پسندیده باشد در حقوق ما که فقه اسلامی از منابع عمدۀ و اساسی آن محسوب گردیده و اصول و مبانی آن به جدّ با یکدیگر عجین شده‌اند محملی ندارد.

علی‌ایحال مروری دوباره بر اشکالاتی که در بالا مورد اشاره قرار گرفت (و

برای احتراز از اطالة کلام به همان مقدار بسند نمودیم) این واقعیت را آشکار می‌سازد که لازمه تدوین و تألیف فرهنگ یا واژه‌نامه حقوقی، علاوه بر آشنایی با رشته‌های مختلف حقوق عرفی، آگاهی دقیق بر مباحث فقهی است.

خوبشختانه مؤلف واژه‌نامه حاضر، جناب آقای دکتر میرمحمد صادقی از این نظر واجد جمیع جهات می‌باشد. چراکه تحصیلات و تحقیقات تطبیقی در رشته‌های مختلف حقوقی (جزا، بین‌الملل و قراردادها) و تحصیل در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه لندن بمدّت حدود یک دهه زمینه آشنایی ایشان را با آثار مستشرقین کاملًا فراهم نموده و سابقه تألیفات و تدریس ایشان در دانشکده‌های حقوق کشورمان در سالهای اخیر دستمایه لازم را برای تالیف چنین اثری مهیا ساخته است بنحوی که مراجعه کننده می‌تواند با اطمینان و اعتماد به برگردان‌های مندرج در این اثر اتکا نماید و براستی این خدمت پرارج و شایان تقدیری است که گردد آورنده فراراه محققین و دانش‌پژوهان حقوق اسلامی نهاده است.

ذکر این نکته را در پایان ضروری می‌داند که گرچه در نگاه اول در لابلای واژه‌ها برخی از واژه‌های اسلامی غیرحقوقی یا حقوقی غیرفقهی به چشم می‌خورد که ممکن است منطبق با عنوان کتاب نباشد اما از آنجاکه استاد محترم در سالیان اخیر در دانشکده‌های حقوق از جمله به تدریس درس «متون حقوقی» اشتغال داشته‌اند به منظور رفع نیاز دانشجویان در معادل یابی واژگان مبتلا به آنان، بنا به تقاضای ناشر مؤلف گرامی، خود را حتی‌المقدور به لغات فقهی - حقوقی محدود ننموده‌اند. به همین خاطراست که اثر حاضر در چاپ‌های اخیر به صورت یکی از منابع اصلی درسی دانشجویان در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد درآمده است.

امید است که در چاپ‌های بعدی همچنان بر غنای این مجموعه گرانقدر افزوده گردد.

و من ا... توفيق

پیشگفتار

افکار و اندیشه‌ها را نمی‌توان در داخل مرزهای جغرافیائی محدود کرد. امروزه پهنهٔ جهان عرصهٔ یک تلاقی خلائق فرهنگ‌هاست و جهانیان در یافته‌اند که بسیاری از اقوام و ملل دنیا علومی برای عرضه کردن دارند. لازمهٔ راهیابی به فرهنگ سایر ملل، آموختن زبان که کلید هر فرهنگ است می‌باشد.

در دهه‌ها و سالهای اخیر محققین بسیاری از سراسر جهان بنابه دلائل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره علاقمند به مطالعه و تحقیق در مورد ابعاد گوناگون فرهنگ و بالاخص فقه اسلامی شده‌اند. آنچه باعث تشیدید این تمایل شده است نهضت بازگشت به اسلام در کشورهای اسلامی است که در سالهای اخیر اوج و گسترش یافته و حکام مسلمان را مجبور کرده است تا با توسل به اسلامگرائی دروغین، خود را هماهنگ با افکار عمومی نشان داده و بدینوسیله در حفظ تاج و تخت خود بکوشند.

در پاسخ به این علاقه و تقاضا، اشخاص و موسساتی - که بعضًا نیز فاقد صلاحیتهاي لازمه می‌باشند - اقدام به تاليف کتب و مقالات و برگزاری سمینارها و گردهم‌آئی‌هائی در مورد زوایای گوناگون فرهنگ و حقوق اسلامی کرده‌اند. در همین راستا دانشگاه‌های غربی امکانات و منابع فراوانی را برای تحقیق در زمینه فرهنگ و بالاخص حقوق اسلامی گردآورده و دوره‌هائی را در سطوح مختلف دانشگاهی برای علاقمندان به تحصیل در این زمینه‌ها تدارک دیده‌اند. هر چند تحقیقات انجام شده در این مراکز بعضًا با کم اطلاعی و یا احیاناً غرض‌ورزی و بدینی نسبت به

اسلام و احکام اسلامی همراه بوده است، لیکن برخی از پژوهش‌های انجام شده در زمینه حقوق اسلامی حاوی نکات مثبت و جنبه‌های نوینی از این سیستم حقوقی است که می‌تواند مورد استفاده محققین ما قرار گیرد. بر طرف کردن نقاط ضعف این تحقیقات توسط متخصصین واجد شرایط و استفاده از آنها در جهت هر چه پویا و با رورتر کردن حقوق اسلامی - مخصوصاً گوشش‌هایی از آن که کمتر مورد توجه و تفکه قرار گرفته است - خدمت بزرگی به اسلام و فقه اسلامی خواهد بود. از این‌رو جمع آوری نتایج این‌گونه پژوهش‌ها از سراسر جهان و متمرکز کردن آنها در یک نقطه برای استفاده محققین و دانش پژوهان قویاً توصیه می‌شود.

این‌جانب در فاصله سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۵۷ که در دپارتمان حقوق دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه لندن به امر تحصیل و تحقیق و نیز تکمیل رساله خود، که بخشی از آن در مورد حقوق اسلامی و مقایسه برخی از ابعاد آن با حقوق امروز مغرب زمین است، اشتغال داشتم، بعضی موافقه با مشکلاتی در برگرداندن واژه‌های فقهی به زبان انگلیسی می‌شدم و این مشکلات را با مقایسه جنبه‌های گوناگون دو سیستم و مراجعه به کتب مختلف فقهی و حقوقی حل می‌کردم. بخش اعظم مجموعه حاضر حاصل تلاش‌های آن ایام است.

ناید ناگفته گذشت که در سالهای اخیر تعداد اندکی فرهنگ اصطلاحات اسلامی و فرهنگ اصطلاحات حقوقی به زبان انگلیسی بچاپ رسیده‌اند که متاسفانه بعضی از آنها دارای اغلاط متعدد، ولی تلاشها و مساعی پدید آورندگان برخی دیگر قابل تقدیر و تمجید می‌باشد. با اینحال در هیچیک از مجموعه‌های مذکور تکیه اصلی بر اصطلاحات حقوقی - فقهی قرار نداشته و باین‌گونه واژه‌ها کمتر اشاره شده است. بعلاوه در مجموعه حاضر سعی شده است که از معادلهای ساده مصطلح در زبان انگلیسی امروز بجای اصطلاحات ثقلی و نامانوس استفاده شود.

بدیهی است چنین اثری نمی‌تواند از کاستی و نقصان بری باشد. از عموم همکاران دانشگاهی و سایر فضلای گرانقدر انتظار می‌رود که اشتباهات و نقصانهای این مجموعه را به دیده اغماس ننگرن و باین‌گونه کاستی‌ها را به مؤلف به نشانی

دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی اطلاع دهنده تا اگر حسن ظن دانش پژوهان نسبت به این اثر تجدید چاپ آن را اقتضاء نمود، در نوبتهاي بعد به تكميل و تنقيح آن دست زنیم.

در پایان از کلیه دوستان و سرورانی که تشویق‌ها و پیشنهادات سازنده ایشان در تالیف و تکمیل واژه‌نامه حاضر موثر بوده است تشکر و قدردانی می‌شود.
«و توفيق از خداست»

تهران

حسین میرمحمد صادقی

مقدمهٔ چاپ چهارم

گریه شام و سحر شکر که ضایع نشد قطره باران ماگوهر یکدانه شد همانگونه که در پیشگفتار چاپ قبلی اشارتی رفت، لطف خدای منان و نظر خطاب‌پوش ارباب فضل و معرفت و حسن ظن حقوق‌دانان و دانشجویان عزیز دانشکده حقوق این اثر ناچیز را در مدتی کوتاه به چاپ‌های بعدی رسانید. نگارنده این هرسه را به دیدهٔ تشکر و امتنان می‌نگرد. توضیح دیگری ضروری بنظر نمی‌رسد. تنها دوست می‌دارم این اثر ناقابل را به پدر - که از همان سالهای آغازین حیات، شوق کسب علم و دانش را در جانم دوانید - و به مادرم تقدیم داشته، و بار دیگر از دوستانی که با تذکرات و پیشنهادات خود بر حقیر منت گذارند، و نیز از تلاش و کوشش ناشر محترم در چاپ این کتاب قدردانی کنم.

تهران - زمستان ۱۳۷۲

حسین میرمحمد صادقی

چند تذکر جهت تسهیل استفاده از واژه‌نامه

۱ - در همه نظامهای معتبر حقوقی اصطلاحاتی وجود دارند که بار عظیمی از معنا را بدوش می‌کشند و، در نتیجه، برگرداندن آنها به سایر زبانها جز با توضیح مفهوم، میسر نمی‌باشد. فقه اسلامی بنا به دلائلی که پرداختن به آنها فرصت دیگری را می‌طلبد بیش از سایر سیستم‌های حقوقی از این نوع اصطلاحات برخوردار است. در این کتاب در مورد اینگونه واژه‌ها (مثل محلل، مستأمن، استحسان و نظائر آن،) نزدیکترین معادل یا ترجمه لغوی واژه ذکر و سپس راجع به معنی و مفهوم آن مختصراً توضیح داده شده است. این شیوه مشابه شیوه‌ای است که در اکثر کتب و مقالاتی که به زبانهای خارجی در مورد حقوق اسلامی نگاشته شده‌اند در پیش گرفته شده است. در نوشهای مذکور، نویسنده در اولین مرتبه ذکر اینگونه واژه‌ها معنای آنها را توضیح داده و در نوبتهاي بعد عین واژه را بکار برده است. این مناسب‌ترین روشی است که دقت لازمه را برای هر نوشته تضمین می‌کند و توسط مولفین ما در موارد مشابه قابل اقتباس است.

۲ - رویه معمول در کلیه فرهنگها - یعنی استعمال واژه به صیغه مفرد - در این مجموعه نیز بکار گرفته شده است ولی در مورد واژه‌هایی که صیغه جمع آنها نیز مصطلح (و چه بسا مصطلح‌تر) می‌باشد، صیغه جمع بکار رفته است. کلماتی چون اجداد، جدات، اولاد، احوال، اعمام و نظایر آنها از این قبیلند.

۳ - واژه‌های عربی که با الف ولام آغاز می‌شوند بر مبنای اولین حرف بعد از «ال» طبقه‌بندی شده‌اند. بنابراین، برای مثال، قاعدة «الولد للفراش» در زیر حرف «و» درج شده است.

۴ - برای تسهیل مراجعه، برخی از واژه‌ها - مخصوصاً واژه‌های مرکب - در زیر دو حرف مختلف درج شده‌اند.

وقایع مهم تاریخ اسلام به سال میلادی

۵۷۰ میلادی: ولادت پیامبر (ص)

۶۱۰ میلادی: بعثت پیامبر (ص)

۶۲۲ میلادی: هجرت پیامبر از مکه به مدینه

۶۲۴ میلادی: جنگ بدر

۶۲۵ میلادی: جنگ احد

۶۳۲ میلادی: رحلت پیامبر (ص) و آغاز خلافت ابوبکر

۶۳۴ میلادی: آغاز خلافت عمر بن الخطاب

۶۴۴ میلادی: آغاز خلافت عثمان

۶۵۶ میلادی: آغاز خلافت علی (ع)

۶۶۱ میلادی: شهادت امیر المؤمنین علی (ع)

۶۷۰ میلادی: شهادت امام حسن (ع)

۶۸۰ میلادی: شهادت امام حسین (ع)

۷۱۰ میلادی: شهادت امام سجاد (ع)

۷۳۲ میلادی: شهادت امام محمد باقر (ع)

۷۶۵ میلادی: شهادت امام جعفر صادق (ع)

۷۶۷ میلادی: مرگ ابوحنیفه، رئیس مذهب حنفی

۷۹۵ میلادی: مرگ مالک بن انس، رئیس مذهب مالکی

- ۷۹۹ میلادی: شهادت امام موسی کاظم (ع)
- ۸۱۷ میلادی: شهادت امام رضا (ع)
- ۸۲۰ میلادی: مرگ شافعی، رئیس مذهب شافعی
- ۸۳۵ میلادی: شهادت امام محمد تقی (ع)
- ۸۵۵ میلادی: مرگ احمد بن حنبل، رئیس مذهب حنبلی
- ۸۶۸ میلادی: شهادت امام علی النقی (ع)
- ۸۷۳ میلادی: شهادت امام حسن عسکری (ع)
- ۹۴۰ - ۸۷۳ میلادی: دوران غیبت صغیری امام زمان (عج)
- ۹۴۰ میلادی: آغاز دوران غیبت کبری

الف

Father	آب
Male Agnate Ascendants	آباء
Tolerance; Permissiveness	إباحه
Cut off; Without offspring	ابتز
Purchase	ابتیاع
Eternal	ابدی
Eternity	ابدیت
Discharge; Release; Acquit	ابراء
Discharging from an obligation or a debt	ابراء ذمه
Presentation of evidence	ابراز دلیل
Confirmation; Ratification; Upholding	ابرام
Abraham	ابراهیم (پیامبر)
Leprous	ابرص
Alteration; Substitution	ابدال (تعهد و ...)
Annulment; Nullification	ابطال
Escaped; Stray	آبق (فراری)
Service	ابلاغ

Service at domicile	ابلاغ در محل اقامت
	ابلاغ قانونی (که بعضاً می تواند جانشین ابلاغ واقعی شود)
Substituted service; Constructive service	
Summons	ابلاغنامه
Personal service	ابلاغ واقعی
Simpleton; Silly; Idiot	ابله
Devil	ابليس
Son	ابن
Paternity	أبُوت
Parents	ابوين
Germane; Full	ابوينی (در اirth)
Ambiguity	ابهام
Consanguine	ابی (در اirth)
Agnatic	ابی - ابوینی (در اirth)
Chamber of Commerce,	اتاق بازرگانی و صنایع و معادن
Industries and Mines	
Clearing House	اتاق تهاتر (بین بانکها)
Unity	اتّحاد
Cease - fire	آتشبس
Chance	اتفاق (احتمال)
Accident; Event	اتفاق (حادثه)
Act of God	اتفاق قهری (قوه قهریه)
Consensus (of opinions)	اتفاق آراء
Destruction	اتلاف
Ultimatum	اتمام حجت
Accusation	اتّهاء

Taking an oath; Swearing	اتیان سوگند
Hereunder mentioned	آنی الذکر
Historical relics	آثار تاریخی
Proving	اثبات (ثابت کردن)
The burden of proof rests with Claimant; <i>affirmanti non neganti incumbit Probatio</i> (Lat.)	اثبات ادعا بر عهده مدعی است Claimant; <i>affirmanti non neganti incumbit Probatio</i> (Lat.)
Effect; Consequence; Result	اثر (نتیجه)
Trace	اثر (نشانه)
Binding effect	اثر الزام آور
Finger print	اثر انگشت
Sin	اثم (گناه)
Twelver: Major sect among Shi'i Muslims	اثناعشری
Hire; Rent; Lease	اجارہ
Contract of service; contract of employment	اجارہ اشخاص
Rent	اجارہ بھا
Hire - Purchase	اجارہ به شرط تملیک
Perpetual lease	اجارہ مادام عمر
Tenancy agreement	اجارہ نامہ (سند اجارہ)
Approval; Ratification	اجازہ (تأیید)
Residence permit	اجازہ اقامت
Compulsion; Coercion	اجبار
Compulsorily	اجباراً
Specific performance;	اجبار به انجام عین تعهد
compulsory performance	
Physical coercion	اجبار مادی

Constructive coercion	اجبار معنوي
Compulsory; obligatory	اجباري
Society	اجتماع (جامعه)
Inevitable	اجتناب ناپذير
Individual legal reasoning (by a Muslim jurist)	اجتهاد
<i>Expressum facit cessare tacitum</i> (Lat.): If something is expressed, there is no room for implication	اجتهاد در مقابل نص باطل است
Male ascendants	اجداد
Reward; Remuneration	اجر (پاداش)
Fulfilment (of an obligation)	اجراء (تعهد)
Enforcement (of a judgment)	اجراء (حکم دادگاه)
Administration of Justice	اجرای عدالت
Performance (of a contract)	اجراء (قرارداد)
Executive writ	اجرائيه (قرار اجرا)
Wage	اجرت (دستمزد)
Reasonable or average wage; Fair remuneration; <i>Quantum meruit</i> (Lat.)	اجرت المثل
Specified wage	اجرت المسمى
Term	اجل (مدت)
Deadline	ضرب الاجل
Consensus of opinions (among Muslim Jurists)	اجماع ;
Consensus of juristic opinion	اجماع سكوت
Consensus evidenced by silence	اجماع سكوت
Consensus evidenced by practice	اجماع فعل